

تقسیمات ایرانی جهان همچون پایه کارهای علمی منجمان و ریاضی دانان در زیجها* و گاهشماری

تاریخ و فرهنگ ایران
پوشینه ۲ برگ ۴۴
دکتر محمد محمدی ملایری

« هر چند در انتقال مطالب این منابع ایرانی به منابع عربی اسلامی در برخی از اصطلاحات آنها به تدریج دگرگونی‌هایی روی داده و ظاهرترین آنها هم کلمه کشور است که در عربی به کلمه اقلیم تبدیل شده و در تقسیم جهانی به جای هفت کشور، هفت اقلیم معروف گردیده ولی در اصول آنها که هم در علم هیات و نجوم و گاهشماری عربی اسلامی به کار می‌رفت و هم در نظام تقسیمات کشوری که مورد عمل دیوانهای دولت و به ویژه دیوانها خراج و برید بود تغییرات زیادی که آنها را از اصول خود منحرف گرداند حاصل نگردید.

یاقوت که کتاب معجم البلدان خود را در قرن هفتم هجری تالیف کرده و تا زمان او قرن‌ها از انتقال این اصول به منابع عربی اسلامی گذشته بود درباره هیات اقلیم هفتگانه به گونه ای سخن می‌گوید که گویی تنها روش مورد عمل در زمان او همین روش ایرانی بوده، با این تفاوت که دبیران دیوان هفت اقلیم را که صورت شش دایره محیط بر یک دایره مرکزی بوده، و به قول یاقوت مورد عمل ایرانیان از قدیم بوده است، ملاک عمل قرار می‌داده اند. و منجمان و ریاضی دانان در زیجها و مسایل گاهشماری آن را به شکل خطهای موازی که از شرق به غرب کشیده می‌شده رسم می‌کرده اند. و در هر حال اساس کار همه آنها همان اساس تقسیمات ایرانی یعنی تقسیم جهان به هفت بخش بوده.

یاقوت شکل این دو هیات اقلیم های هفتگانه را هم کشیده و در مقدمه کتاب خود او هم چاپ شده (بین صفحات ۲۸ و ۲۹) و نکته ای که در این مورد درخور توجه می‌نماید این است که یاقوت که رسم شش دایره محیط بر یک دایره، و تغییر کشور را به اقلیم از ابوریحان به کتاب خود نقل کرده از قول او آورده که همین تقسیم که آن را تقسیم اهل فارس خوانده مورد عمل هرمس (۱) هم بوده است، که *ابراهیم فزاری* در زج خود از آن یاد کرده و گوید که چون هرمس از قدماء اهل نجوم بوده معلوم می‌شود که در زمان او هم جز این روش تقسیم دیگری شناخته نبوده و گرنه هرمس که خود اهل ریاضیات نجومی بوده شایسته ترین فردی بوده که از آن پیروی نکند و روش دیگری به کار بندد (مقدمه معجم البلدان ص ۲۷).

این را هم در این جا باید افزود که یاقوت در همین مقدمه که از وابستگی هر اقلیمی از اقلیم های هفت گانه زمین به سیاره ای از هفت سیاره آسمان سخن می‌گوید، عقیده ایرانیان و رومیان هر دو را هم در آن ذکر می‌کند. وی هر هفت سیاره را به نامهای عربی آنها می‌خواند، ولی به جز نام عربی آنها تنها نام فارسی آنها را هم می‌آورد نه نام رومی آنها را، گوید اقلیم اول به اتفاق فرس و روم اقلیم زحل است که به فارسی **کیوان** گویند. اقلیم دوم به گفته ایرانیان (فرس) از آن مشتری است که نامش به فارسی **هرمز** است و به قول رومیان از آن شمس است. اقلیم سوم به قول ایرانیان از آن مریخ است که به فارسی **بهرام** گویند و به قول روم عطارد است. اقلیم چهارم به قول ایرانیان از آن شمس است و نامش به فارسی **خرشاذ (خورشید)** است، و به رای رومیان از آن مشتری است، اقلیم پنجم به اتفاق ایرانیان و رومیان از آن زهره است و نامش به فارسی **اناهید** است و اقلیم ششم به قول ایرانیان از آن عطارد و نامش به فارسی **تیر** است و به قول روم از آن قمر است و اقلیم هفتم به قول ایرانیان از آن قمر است و به قول رومیان از آن مریخ و نامش به فارسی **ماه** است (معجم البلدان ج ۱، ص ۲۹ - ۳۵).

بن مایه ها:

(۱) هرمس، از نامهایی در تاریخ است که شاید به سبب شهرت علمی او چیزهای زیادی به او نسبت داده اند و کسان دیگری را هم به آن نام خواند هاند که نامهای آنها را در فهرست این ندیم می‌توان دید. و به همین سبب هاله ای از ابهام وجود تاریخی او

را در برگرفته، و اما آن هررسی که به علم نجوم شهرت داشته همان است که باید سرگذشت او را از روایت ابوسهل پسر نوبخت که ابن ندیم آن را در مقدمه فن اول از مقاله هفتم در اخبار فلاسفه طبیعیین و منطقیین آورده است، (ص ۲۳۸ و ۲۳۹)، و همچنین در صفحه ۲۶۷ الفهرست این ندیم که کتابهای نجومی او را برشمرده است جستجو کرد. و به هر حال تاریخ زندگی او درست روشن نیست ولی کتابها و آراء او در نجوم و زیجها از زمانهای بسیار قدیم شناخته و مشهور بوده است.

واژه نامه دهخدا:

* زیج (معرب!) معرب زیج است و آن کتابی باشد که منجمان احوال و حرکات افلاک کواکب را از آن معلوم کنند.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/books](http://derafsh-kaviyani.com/books)

derafsh-kaviyani.com